



معرفی و بررسی کتاب الشیعة فی مصر

پدیدآورده (ها) : ابطحی، سید محمد علی
کتابداری، آرشیو و نسخه پژوهی :: آینه پژوهش :: خرداد و تیر 1374 - شماره 32
از 40 تا 43
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/77358>

دانلود شده توسط : رسول جعفریان
تاریخ دانلود : 02/05/1397

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتال که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



معرفی و بررسی کتاب

الشیعة فی مصر

سید محمدعلی ابطحی

الشیعة فی مصر

من الامام علی بن ابي طالب علیه السلام

مکتبه مدبول الصغیر

قاهره ۱۹۹۳

صالح الوردانی. الشیعة فی مصر، من الامام علی بن ابي طالب علیه السلام. مکتبه مدبول الصغیر، قاهره ۱۹۹۳، چاپ اول، ۲۴۲ ص. وزیری.

این کتاب که درباره سابقه و تاریخ تشیع در مصر، نوشته شده، شامل یازده فصل جداگانه است و در پایان نیز هشت ملحق به کتاب افزوده شده و نهایتاً مراجع و فهرست تفصیلی آمده است. بخشی از فصول کتاب، در مورد تاریخ تطوّر شیعه در مصر و بخش دیگر، به آثار تاریخی باقیمانده از شیعه در مصر، و مجموعه‌ای از فصول به تحرکات و فعالیت‌های شیعه در مصر قدیم و فعلی پرداخته است. نگاهی گذرا به محتوای هر فصل، می‌تواند علاوه بر آنکه کتاب را بخوبی معرفی

کند، اطلاعات قابل توجهی نیز از وضعیت فعلی شیعه در مصر، به خواننده منتقل کند.

نویسنده در اولین فصل کتاب، به تعریف واژه شیعه و در پی آن، به معرفی مذهب تشیع پرداخته است، آنگاه با ارائه نقاط جامع تعریف، خصوصیات شیعه اثنی عشری را مطرح و با اشاره به نقاط مانع، تفاوت‌های اصول شیعه را با سایر فرق شیعه و نیز با سایر فرق اسلامی، برمی‌شمارد.

نویسنده در دومین فصل کتاب با عنوان **التاریخ یتکلم** (تاریخ حکایت می‌کند)، درباره آغاز تشیع در مصر به بحث پرداخته و معتقد است که شیعه در مصر، قبل از فاطمیه ظهور کرده و نخستین حضور شیعه در مصر، به انقلاب محمد بن ابی حذیفه باز می‌گردد که در سال ۳۵ هجری اتفاق افتاد و در آن، والی منصوب از سوی عثمان، عقبه بن عامر را عزل کرد و به دنبال آن، چند نسل با نام بنی حسن (فرزندان امام حسن مجتبی (ع))، در مصر حکم راندند تا اینکه در سال ۲۳۶ هجری به دستور متوکل، از مصر اخراج و یا کشته شدند. سیاست فشار بر شیعه تا ورود فاطمیون به مصر در سالهای ۳۷۰ تا ۳۸۰ هـ ادامه داشت.

نویسنده در ادامه، به موفقیت‌های فاطمیون در تاریخ آن دوران مصر اشاره می‌کند و به اصلیت‌ترین بخش مورد نیاز خود از تاریخ فاطمیون می‌پردازد و در آن به ارج نهادن فاطمیه به مناسبت‌های مختلف، اشاره کرده و به تاریخ مناسبت‌هایی که برای آنها اهمیت قایل بوده‌اند، توجه داشته است. مناسبت‌هایی مانند عاشورا، میلاد پیامبر (ص)، اعیاد فطر و قربان، شب نیمه شعبان، ولادت امام علی (ع) و امام حسین (ع) و نیز نوروز ایرانی که بنا به نقل تواریخ، فاطمیون به آن اهتمام داشته‌اند و تاکنون نیز این سنتها در میان ایشان باقی مانده است. مساجد مختلفی که با نام اهل بیت (ع) در دوران فاطمیون باقی مانده، دلیل دیگری بر حمایت ایشان از شیعه تلقی شده است. بخش سوم کتاب به دوران صلاح الدین ایوبی و مشکلاتی که برای مسلمانان به وجود آورد، اختصاص یافته است. نویسنده در این بخش تحت عنوان **صلاح الدین، تسامح مع الصلییین**

قبر مالک اشتر (واقع در منطقه بستان)، مقبره محمد بن ابی بکر (در شهر رمسیس از توابع منصوره)، مزار معروف و بزرگ حضرت زینب (ع) در منطقه زینبیه، مزار حضرت نفیسه دختر حسن بن زید بن حسن بن علی (ع) در قاهره و مسجد معروف رأس الحسین که منطقه رأس الحسین در شهر قاهره به همین مناسبت نام گذاری شده است. نویسنده در هر بخش، تاریخ زندگی و سالهای حضور و شیوه مرگ یا شهادت ایشان را در مصر بیان کرده است.

فصل بعدی کتاب، به سفرهای تاریخی مختلفی که رهبران شیعه به مصر داشته اند (رحلات شیعیه) اختصاص دارد و در آن، سفرهای سید جمال، سید عبدالحسین شرف الدین، نواب صفوی، شیخ علی کاشف الغطاء، شیخ محمد جواد مغنیه، مرتضی رضوی کشمیری و نوع فعالیتهای آنان را ذکر کرده است.

تاریخچه شیعه در مصر، در فصل هشتم کتاب، به دوران معاصر یعنی دهه هفتاد می رسد. نویسنده معتقد است در دهه هفتاد، سه جریان فعال در حوزه مسایل مذهبی وجود داشت: یکی جریان صوفیه، دیگری جریان تکفیر که همه گروه های اسلامی را تکفیر می کرد و عمدتاً از وهابیت سرچشمه می گرفت، و سه دیگر، جریان حکومت که اسلام آرامی را ترویج می نمود. در این میان، شیعه به طور کم رنگ و عمدتاً در حال تقیه بسر می برد، ولی روابط عادی میان شیعه و سنی و نیز ارتباطات الازهر و وزارت اوقاف با علمای شیعه ایران و عراق و لبنان برقرار بود.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران، اوضاع دگرگون شد. ترس از وحدت ایران و مصر در مقابل قدرتهای جهانی، باعث شد تا حکومت مصر، سه روش را تعقیب کند:

۱- کمک به رشد وهابیت، ۲- دامن زدن به اختلافات قدیمی شیعه و سنی، ۳- تبلیغات گسترده علیه ایران به خاطر دخالت در امور داخلی مصر.

این جریان که صرفاً سیاسی بود، اثری جدی بر جامعه شیعی گذاشت و آن را بشدت منزوی کرد. نویسندگان کینه توز و هابی و سیاسیون نزدیک به حکومت ضد شیعه - به بهانه مخالفت با ایران - فلزنی های بسیاری کردند که موجب شد عملاً تنها جمعیت های شیعه مثل جماعة التبلیغ و جمعیه آل البيت و یا انتشاراتی که بعضاً کتب شیعه را منتشر می کردند، تعطیل شدند.

فصل بعدی کتاب با عنوان رد الفعل الشیعی، به عکس العمل های شیعه در مصر پرداخته است و چنین می نماید که به رغم فشارهای فراوان، شیعه هویت جدیدی پیدا کرد و

بطش بالمسلمین (صلاح الدین: مسامحه با مسیحیان و سرکوب مسلمانان)، به طور وسیع، کشتار و آوارگی شیعیان را در اثر ستمهای صلاح الدین بیان کرده است و دلیل آن را حمایت فاطمیون از شیعه و انتقام صلاح الدین از فاطمیون می داند. همچنین در پایان این بخش، به انقلاب های گذرای شیعه و در نهایت به مهاجرت جمعی شیعیان به شام و جنوب مصر اشاره شده است.

چهارمین بخش کتاب، بقایا الشیعی ... نام دارد. در این بخش، نویسنده، سرنوشت شیعه در عصر ایوبی را شرح می دهد و اعتقاد دارد در آن عصر، شیعه در چند چهره جدید ظهور و تجلی یافت. یکی در قالب متصوفه که همچنان در مصر قدرت دارند و تا عصر کنونی، مانع اصلی نفوذ وهابیت در مصر بوده اند. دیگر، مجموعه ای با نام اشراف که وضع مالی بهتری داشتند و جمع زیادی نیز تقیه کردند. در ادامه این بخش، به مراکز وجود شیعه در مصر - در طول حکومت ایوبیها - پرداخته و معتقد است که آن مراکز در طول تاریخ ایوبیها همواره مراکز مقاومت بوده اند.

نکته دیگری که نویسنده از آن بر بقای مخفیانه شیعه در مصر - در طول اعصار و قرون - استدلال می کند، وجود عادات و سنت های شیعی است که تاکنون در فرهنگ مصری باقی مانده است. از قبیل گرامیداشت عاشورا، جشن نیمه شعبان، برپایی مراسم در ابتدای سال هجری، نصب فانوس در رمضان، حرمت خوردن گوشت خرگوش که از اختصاصات فقه شیعه است، سب عایشه و عمر در فولکلور مردم، وجود اسامی زهرا، حسین، حسن، زینب، نفیسه و نیز انتظار ظهور حضرت مهدی (عج).

مؤلف در فصل های پنجم و ششم کتاب، به طرح چهره های نامی تشیع و مشاهده شیعه پرداخته و آنان را پاسداران دائمی و نگهبانان حریم تشیع در طول اعصار و قرون می نمایاند. نویسنده در این فصل، نام مالک اشتر، محمد بن ابی بکر، زینب بنت علی (ع)، نفیسه بنت الحسن (ع)، قاضی نعمانی (از قدمای فقهای مصر که با تعبیر ابوحنیفه الشیعی از او یاد می شود)، مسیحی (مورخ)، بدرالجمالی (وزیر شیعی دوران فاطمیون)، افضل بن بدرالجمالی (فرزند بدر و وزیر مروج شیعه)، طلائع بن زریک (شاعر) که هریک به نحوی در گسترش فکر شیعی در تاریخ مصر اثر ماندگار داشته اند و به همین مناسبت، قبر برخی از آنان مرکز زیارت و طرح فکر شیعی است. معروفترین مشاهده ای که در مصر وجود دارند، عبارتند از:

به صورت زنده‌ای در جامعه ظهور نمود. چاپ کتب شیعی، ابتدا توسط عراقیان شیعه ساکن مصر و پس از آن، به وجود آمدن مراکز نشر کتب شیعی مانند دارالبدایه و دارالهدف و برخوردهای متعدد وهابیون و حکومت با آنان، از نقاط قوتی بود که وجود دوباره شیعه را در مصر نوید می‌داد.

بحث تقریب بین مذاهب که از مصر آغاز شد، نمی‌تواند از تاریخچه تشیع در مصر حذف شود. نویسنده در بخش دیگری از کتابش، به تاریخچه تقریب بین مذاهب از زمان شروع آن با دعوت شیخ شلتوت و شیخ محمدتقی قمی (در سال ۱۹۴۶ م.) به مشکلاتی که روحانیون متعصب سنی در مصر در برابر این فتوا ایجاد کرده‌اند، اشاره کرده و معتقد است به خاطر روابط خوب حکومت‌های قبلی مصر با ایران، حرکت و نهضت تقریب ادامه داشت، ولی با پیروزی انقلاب اسلامی، جناح مخالف تقریب به خاطر حمایت‌های سیاسی رشد کرد و عملاً این نهضت رو به افول رفت. نویسنده به خاطر ثبت در تاریخ، به نقل قول‌هایی از رؤسای الازهر و علمای مشهور مصر در مورد ضرورت تقریب پرداخته است.

وی همچنین از جمعیتی به نام جمعیت آل البیت در سال ۱۹۷۲ یاد می‌کند که بسیاری از کتب شیعه را منتشر کردند، ولی پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، مورد بی‌مهری و خصومت حکومت مصر قرار گرفته و طی احکام دادگاه‌های مصر، رسماً تعطیل شدند.

نویسنده در آخرین فصل کتاب به نام البهره: الفاطمیون يعودون لمصر بعد غیبة ثمانية قرون، اعتقاد دارد بهره که در حال قدرت گرفتن در مصر هستند، می‌توانند زمینه رشد و قدرت تشیع را در مصر آماده سازند. بهره‌گروهی از اسماعیلیون هستند که بر مناطقی از مصر و عراق و فارس مسلط شدند و این اختلاف و جدایی از امامیه اثنی عشری را از طریق شیعیان هندی که رفت و آمد تجارتنی با خلیج فارس داشتند، به یمن، و از آنجا به بحرین، منتقل کردند. لغت بهره در هند به معنای تاجر بود و به دلیل پذیرش اسماعیلیه توسط این بخش از تاجر هندی، به اسماعیلی‌های بهره شهرت یافتند. ایشان توانستند کتب شیعه در دوران فاطمیون را از مصر خارج کرده و در هند نگهداری کنند.

اشارات تاریخی نیز گواهی می‌دهند که بخشی از شیعیان مصر و یمن نیز در دوران ایوبی به هند هجرت کردند، ولی در دهه‌های اخیر و عمدتاً از دهه هفتاد (دوران سادات)، بهره به طور گسترده‌ای به مصر بازگشته‌اند و به خاطر وضع مالی خوبی که دارند، موفق شده‌اند مساجد زیادی از دوره فاطمیون را بازسازی

کنند و در محلاتی از پایتخت مصر، حضور وسیعی داشته باشند. هرچند بهره در این اواخر مورد مخالفت گروه‌هایی از مخالفین شیعه قرار گرفتند که علت حضور گسترده آنان را جویا می‌شدند، ولی ظاهراً به خاطر غیرسیاسی بودن آنان و ارتباطات رهبران‌شان با حکومت و سرمایه‌های فراوانی که در اختیار دارند، می‌توانند در مصر زندگی آرامی داشته باشند. ایشان خود را شیعه اسماعیلی می‌دانند و در اعمال فردی و فقهی، به عمده مسایل فقهی شیعه عمل می‌کنند.

نویسنده کتاب خود را با این سؤال پایان می‌دهد که چرا باید وهابیت که زیر حمایت مستقیم عربستان قرار دارد، از سوی حکومت مصر به آنان اجازه رشد دهد، در حالی که مذهب شیعه به بهانه اینکه حکومت ایران، شیعه است، مورد تهاجم قرار گیرد.

در انتهای کتاب، سیزده بخش تحت عنوان ملاحق آمده است، با این عناوین:

- ۱) اسامی خلفای شیعه دولت فاطمی در مصر.
 - ۲) سندی که در دوران ایوبی، علیه حسب و نسب فاطمیون به دست آمده است.
 - ۳) نص نامه‌هایی که سفیر مصر برای دعوت از کاشف الغطاء و به نمایندگی از سوی الازهر نوشته است.
 - ۴) متن سخنرانی حماسی کاشف الغطاء در عاشورای سال ۱۳۶۵ هجری (۱۹۶۵ قمری) در مصر که از رادیو قاهره پخش شد.
 - ۵) متن فتاوی شیخ محمود شلتوت و محمدتقی قمی در مورد تقریب.
 - ۶) متن مصاحبه مجله مصری روزالیوسف با کاشف الغطاء.
 - ۷) متن نامه مفتی سابق مصر به وزیر اوقاف در مورد حمایت از شیعه و تقریب.
 - ۸) فهرستی از اسامی علمای ازهر و شیوخ مصر که به نوعی از شیعه حمایت کرده‌اند.
 - ۹) فهرستی از صحابی پیامبر (ص) و نوع علاقه مندی و یا عدم علاقه مندی شیعه به آنان با ذکر دلایل.
 - ۱۰) فهرست بخشی از کتب شیعه که در مصر انتشار یافته‌اند.
 - ۱۱) فهرست بعضی از کتب ضد شیعه و ایران.
 - ۱۲) مصاحبه عمر التلمسانی رهبر فقید اخوان المسلمین با المصور در مورد ایران و شیعه.
 - ۱۳) فهرست کتبی که از شیعه دفاع کرده و در مصر انتشار یافته‌اند.
- و در پایان، فهرست اعلام و مراجع و موضوعات کتاب.

وقتی به مباحث بخشهای آخرین کتاب که سیاسی است، مانند نشاط الشیعی، الغاره علی الشیعه، رد الفعل الشیعی، اطلاعات تازه و جالبی در اختیار خوانندگان قرار می دهد.

در مجموع، روحیه سیاسی اندیش نویسنده، بر کتاب کاملاً سایه انداخته است. نمونه دیگر بر اثبات این ادعا آنکه به رغم اعتراض نویسنده به حکومت مصر که پرونده ایران و تشیع را در یک فایل قرار داده است، خود نیز در فهرست کتبی که علیه تشیع نوشته شده، فهرست کتابهایی را که علیه انقلاب اسلامی و یا امام خمینی (س) مکتوب گردیده، آورده است و یا، فراموش کرده که رژیم شاه و حکومت مصر نیز در یک اتحاد سیاسی و به خاطر درهم کوفتن مقاومت علیه اسرائیل، تقرب بین ادیان و رفت و آمدهای علمای دینی را ترویج می کرده اند.

نویسنده شاید به دلیل تعصب شیعی خود، در تاریخنگاری دچار بی انصافی شده است. در فصل صلاح الدین - تسامح مع الصلیبیین و بطش بالمسلمین - چنان از صلاح الدین ایوبی سخن می گوید که گویا از رذلتترین و جنایتکارترین رهبران تاریخ حکایت می کند. فتوحات اسلامی صلاح الدین و حتی را که بر جامعه اسلامی دارد، و یا بهره هایی را که او از مسیحیت نصیب اسلام نمود، یک جا انکار می کند و تنها به این دلیل که از نظر سیاسی، با فاطمیون مشکل داشته است، او را با تعبیری مانند دزد، قاتل، مضمحل کننده تفکر دینی در مصر، نام برده و یا همه تعاریف مورخان مسلمان از صلاح الدین را تنها به دلیل مخالفت آنان با شیعه تلقی می کند.

نکته دیگری که در مورد کتاب الشیعه فی مصر باید به آن اشاره نمود، این است که کتاب - خصوصاً در نقاط تاریخی آن - تمام گروه هایی را که به نوعی به اهل بیت (ع) علاقه مند بوده اند، شیعه تلقی می کند. این شاید در نگاهی فراگیر، مفید باشد، ولی از نظر تاریخی، خواننده را دچار مشکل می سازد. فاطمیون (در فصل اول)، متصوفه (در فصل بقاء التشیع)، و یا افرادی مثل طلائع بن زریک و یا بدر الجمالی را به عنوان رهبران شیعه تلقی کردن در فصل ایمان شیعه، بخشی از این نکته است.

در نهایت از بهره که ماهیت اعتقادی نامشخصی در روزگار کنونی دارند با عنوان بازگشت پیروزمندان شیعه به مصر یاد کردن، و یا اساساً عدم ترسیم تابلویی از وضعیت فعلی شیعه در مصر، خواننده را از اطلاعات ارائه شده درباره وضعیت شیعه در مصر، قانع نمی سازد.

در مجموع، کتاب الشیعه فی مصر، اطلاعاتی درخور توجه، از وضعیت شیعه در اختیار ایرانیان و شیعیان قرار می دهد.

*

پس از این معرفی نیمه تفصیلی، اطلاع بر نکاتی چند در مورد کتاب و نویسنده آن، ضروری است:

۱- با توجه به روابط دیرین و قدیمی ایران و مصر و گستردگی ارتباطات دو کشور در نزدیک به دو دهه اخیر، این کتاب می تواند اطلاعات مفیدی از مصر - خصوصاً که رابطه مستقیم با مذهب و تفکر ما (شیعه) دارد - به خواننده ایرانی ارائه دهد. نویسنده در این کتاب توانسته است مجموعه اطلاعات نسبتاً جالب و جامعی را جمع آوری کند که اگر نه از دیدگاه تاریخی، لااقل از نظر معلومات عمومی، سیاسی و عقیدتی، بسیار مفید است.

اطلاع از وضعیت شیعه در مصر و نوع رابطه حکومت با آنها و سابقه تاریخی موجود، از مطالبی است که محققان ما به آنها علاقه مندند. از این تلاش نویسنده باید تقدیر کرد.

صالح الوردانی نویسنده کتاب، در سالهای اخیر و پس از انقلاب اسلامی، کتابهای زیادی را که عمدتاً سیاسی هستند، نگاشته است. وی که بیش از سه سال در زندانهای رژیم فعلی مصر، زندانی بوده، در کتابی تحت عنوان ثلاث سنوات تحت التعذیب، خاطرات دوران زندانش را نقل کرده است.

دیگر کتابهای او عبارتند از:

في منبع العمل الاسلامی (۱۹۸۶)، جذور التناقض في الواقع الاسلامی (۱۹۶۸)، الحركة الاسلامیة في مصر (۱۹۸۷)، الحركة الاسلامیة والقضية الفلسطينية (۱۹۹۰) و نیز کتاب حرکه آل البیت که مصادره شده است.

چنانچه از عناوین این کتابها پیداست، نویسنده با این نگاه سیاسی آنگاه که بخواهد مسأله تاریخی را بررسی کند، از عهده کاری مستند و تاریخی برنخواهد آمد. وی گرچه به مراجع زیادی مراجعه کرده (و فهرست منابع کتاب که در آخر آمده، مؤید این مطلب است، ولی کتابش بیشتر به یک خطابه در دفاع از شیعه شباهت پیدا کرده تا یک کار جدی تاریخی. با این دلیل که در بخش مربوط به فاطمیون و ایوبی ها، آنچه را که مربوط به فاطمیون و صلاح الدین ایوبی است و در کتب مربوطه آمده، به تفصیل توضیح داده شده ولی آنجا که به رابطه شیعه با این دو فصل تاریخی می رسد (یعنی موضوع اصلی کتاب)، و نیاز به تحقیق وسیعتری دارد، سرعت از آن گذشته است. همچنین در فصل مربوط به مشاهد و داعیان شیعه، تاریخ عمومی آنان را مفصلاً ذکر می کند ولی رابطه آنان را با مصر و اینکه چگونه به مصر آمدند، در تاریخ حیاتشان چه کردند یا چگونه درگذشتند که مقابری برایشان برپا شد، بسیار مختصر - و گاهی در یک یا دو خط - می آورد. در عوض